

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ نومبر ۲۰۲۰

اعتراف زبوانه "صالح" به مستعمره بودن افغانستان!

۲

چهارشنبه - ۰۵ قوس ۱۳۹۹ - کابل: و اما در ارتباط با این که می گوید: «و برای تأمین عدالت باید، به مصونیت آنان پایان داده شود.» می باید بیشتر تأمل نمود، چه:

۱- "صالح" وقتی ختم مصونیت اعضای "ولسی جرگه" را مطرح می سازد، عامدانه مرجعی را که می باید چنین کاری را انجام دهد، مطرح نمی سازد. زیرا نیک می داند تا جایی که به قانون اساسی ساخت استعمار رابطه می گیرد، سلب مصونیت اعضای "ولسی جرگه" منوط به شرط و شروطی است که نه تنها شخص "صالح" بلکه آقا و استادش "غنی احمدزی" نیز به آسانی نمی تواند آن شرایط را جهت سلب مصونیت اعضای "ولسی جرگه" فراهم سازد، که اگر غیر از این می بود با شناختی که از "غنی احمدزی" و خیره سری هایش وجود دارد، اینکار را زمانی که کاندید مورد نظرش در مبارزه به خاطر مقام ریاست آن مجلس دوبار ناکام ماند، با قوه قهریه انجام می داد.

از آنجایی که نه در قانون دست ساخت استعمار صلاحیت سلب مصونیت به مردم داده شده و نه هم مراجعت به توده های میلیونی افغانستان، سیاست و خط حرکی حاکمیت دست نشاندۀ من جمله "غنی احمدزی" و "صالح" است، بناءً با در نظر داشت این که "صالح" این تقاضا را در محضر نیروهای اشغالگر مطرح می سازد، در واقع انتظار سلب مصونیت اعضای "ولسی جرگه" را نیز از آنها دارد. یعنی "صالح" از بیگانۀ می خواهد که کشمکش درون خانه اش را با برادران تنی و بقیه اعضای خانواده اش، به نفع وی حل نمایند و این درست همان کاری بود که پرچم و خلق انجام داد و برای سرکوب مردم افغانستان از روسها مدد جستند، و این همان کاریست که اسلام سیاسی در طول حیات ننگینش قبل از حاکمیت و در زمان حاکمیتش انجام داد و بیگانگان را به اداره نوامیس کشور ما گماشت و این همان کاریست که مثنی جاسوس تکنوکرات و آحاد منادیان اسلام سیاسی بدان دل بسته، به مرگ برادر و خواهر خود راضی هستند مگر به خروج نیروهای اشغالگر نه.

از آن گذشته طرح چنین خواستی از اشغالگران عمق حماقت "صالح" را نیز به نمایش می گذارد، زیرا او با چنین طرحی، از اشغالگران انتظار دارد تا جهت حل مشاکل افغانستان من جمله فساد اداری با آنها کمک نمایند، این توله سگ هار امپریالیسم و ارتجاع نمی خواهد بپذیرد، که فساد و گسترش آن برخاسته از ماهیت مستعمراتی کشور است و تا زمانی که افغانستان در اشغال باشد و مقدرات آن را کشور های دیگری تعیین بدارد، نه تنها فساد از بین نخواهد رفت و

نه تنها اشغالگران استعمارگر به از بین بردن آن اقدام نخواهند ورزید، بلکه روز تا روز گسترش بیشتر یافته، آهنگ گسترش آن از جانب اشغالگران تند تر خواهد شد.

۲- نکلۀ دیگری را که طرح "صالح" آشکار می سازد، برداشت وی از چگونگی حکومتداری است که در عمق ضمیرش استبداد نوع حکومت مطلقه نمود های خود را تبارز می دهد.

با در نظر داشت این که "صالح" از پستان آلوده و خونبار اخوان "شیر سیاست" نوشیده و در مکتب استخبارات جهانی پرورش یافته است و با در نظر داشت این که در هر دو سیستم یعنی هم "اخوانیت" و هم "استخبارات"، نه تنها مردم هیچ جایگاه و حق و حقوقی ندارند، بلکه قوانین نافذ هم تا زمانی مورد تأیید و احترام آنهاست که منافع و مواضع خودشان را حراست نماید، برای "صالح" نفس وجود "ولسی جرگه" حتا در همین شکل کاریکاتوری، میتدل و وطویله گونه اش، نمی تواند قابل پذیرش باشد، زیرا هم از دید پستان شیرینی اش و هم از دید مکتبی که در آن پرورش یافته، هیچ کس به غیر از خودش و باندی که بدان متعلق است، هیچ نوع حقی ندارند. همه بدون استثناء می باید در خدمت اینها قرار داشته باشند می خواهد توده های میلیونی کشور باشد و یا هم بخشی از شرکای حاکمیت شان. هموطنان گرامی!

نمی خواهم در اینجا برای سایر نویسندگان حد و حدود قایل شوم که چه بنویسند و چه ننویسند، اما از همه توقع دارم در شرایطی که کشور در موقعیت بس خطیری قرار دارد و از جهات مختلف و در پوشش های مختلف تلاش صورت می گیرد تا نه تنها حقوق دموکراتیک توده های ما را به یغما ببرند بلکه بحث در آن مورد را نیز سرکاری ساخته، امیال و آرزوهای حاکمیت را جایگزین حقوق دموکراتیک توده های میلیونی کشور تبلیغ نمایند، لطف نموده قلم شان در خدمت ارتقای آگاهی و شناخت توده ها از وضعیت کنونی و پاسخ به چه باید کرد در مقطع کنونی به جولان بیاورند و در دامی که استعمار و نوکران آن برای آنها پهن نموده، آنها را به قصه های "سرمنگسک" می کشاند، نیفتند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!